

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۳ دسمبر ۲۰۲۰

## برده‌داری در کشورهای عربی

(۱)

انفجار مهیب در بیروت بر سرنوشت مردم لبنان و به ویژه بیروت تأثیرات مهلکی گذارد. این انفجار در عین حال سرپوش دیگری را نیز منفجر کرد که حاکی از بهره‌کشی به نحو مناسبات برده‌داری از انسان‌هایی بود که آخرین بارقه امید زندگی‌شان تن‌دادن به تحقیر، زجر، توهین، چپاول، تجاوز و هیچ بودن و هیچ انگاشتن خویش بود تا فرزندان‌شان بتوانند بدون تحقیر در آینده زندگی کنند. این رؤیای میلیون‌ها بشر است که متأسفانه دایره‌وار از نسلی به نسل دیگر تکرار می‌شود و پایانی بر این دالان بی‌انتهای متصور نیست. فقط امید به فرداست که این انسان‌ها را زنده نگاه می‌دارد. انفجار بیروت این بردگان، این قربانیان تجاوز، تحقیر، ستم، توهین و زجر را به خیابان‌ها پرتاب کرد، حتی متمولان عرب و غیر عرب در لبنان حاضر نبودند دست‌مزد‌های این ستم‌کشیدگان را، که غالباً زنان از ممالک فیلیپین، اریتره، اتیوپی و یا سایر ممالک افریقائی هستند، پرداخت کنند. آنها حتی هزینه بازگشت به دامن خانواده خویش را نداشتند و در خیابان‌های بیروت پرسه می‌زدند و نگران آن بودند که طعمه گرگان انسان‌نما قرار گیرند. حتی اشک‌شان دیگر فرو نمی‌ریخت زیرا اعتصاب کرده بودند. حال در لبنان بازگرداندن این زنان زجر کشیده و برده شده به یک معضل دیپلماتیک بدل شده است. معضل دیپلماتیکی که در حقیقت باید موجبات شرم بشریت را فراهم آورد. بشریت باید در آئینه زندگی نگرَد و زار زار بر وجدان بی‌تفاوت خود بگریزد. آری ما در دنیای زندگی می‌کنیم که ثروت ۶۰ نفر به اندازه بودجه بسیاری ممالک است و زجر میلیون‌ها نفر راهی به کاخ‌های آنها ندارد.

- «هیچ احدی نباید در بردگی یا بندگی نگاه داشته شود»... (ماده ۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر)
- «هر فردی سزاوار و مستحق زندگی، آزادی و امنیت فردی است» (ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر)
- «هر انسانی سزاوار و مستحق داشتن آزادی نقل مکان [حرکت از هر نقطه‌ای به نقطه دیگر] و اقامت در [در هر نقطه‌ای] درون مرزهای مملکت است» (ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر)
- «هر انسانی مستحق ترک هر کشوری، از جمله کشور خود و بازگشت به کشور خویش است» (ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

مؤسسه ای تحت نام «آژانس بین‌المللی خدمه منزل‌یابی» در اردن در تبلیغات روزمره خود می‌نویسد: «تشریف بیاورید به دفتر ما و نگاهی به کاتالوگ خدمتکاران منزل ما بیندازید! اجرت ماهانه آنها اگر زبان عربی بدانند، ۲۰۰ دالر در غیر اینصورت ۱۵۰ دالر [ماهانه] خواهد بود. هر خدمتکار منزل جمعاً ۲۷ ماه نزد شما خواهد ماند. او نه مرخصی

خواهد داشت و نه روز تعطیل در هفته. در ضمن او حق خروج از منزل را هم ندارد. پاسپورت او را هم می‌توانید از او بگیرید و از دید او پنهان کنید».

طبق آمار «سازمان دیدبان حقوق بشر» در سال ۲۰۰۷ قریب به دو میلیون و هشتصد هزار زن در خاورمیانه به عنوان خدمتکار منزل (کلفت یا کنیز) از این طریق مشغول به کار شدند. آژانس‌های واردکننده برده از کشورهای کنیا، گینه، غنا، سودان، اتیوپی، تانزانیا، اوگاندا، فیلیپین، نپال، هند و ... با دروغ و حيله و نیرنگ زنان بینوا را می‌فریبند و در ازای تحویل هر یک از آنها به ارباب، هزار دالر حق‌الزحمه می‌گیرند. زمانی که یکی از فعالان «سازمان دیدبان حقوق بشر» از یکی از دلایان برده می‌پرسد که: «آیا زندانی‌کردن زنان [برده] در خانه خلاف حقوق بشر نیست؟» او پاسخ می‌دهد که: «اینجا حقوق بشر وجود ندارد. شاید در اروپا باشد، ولی اینجا نه! من به کارم ادامه می‌دهم». واقعیت این است که این زنان بینوا و ستمکش سال‌ها بدون دریافت کمترین مزد، نه تنها شاق‌ترین کارها را در خانه برده‌داران انجام می‌دهند، نه تنها مورد ضرب و شتم آنها واقع می‌شوند، بلکه مورد تجاوز مرد خانه نیز قرار می‌گیرند. یکی از مسؤولین سازمان دیدبان حقوق بشر می‌گوید: «یکی از زنان برده می‌گفت: «خانواده من در کنیا گرسنه است و به امید ارسال کمک از جانب من هستند، ولی به من دستمزدی نمی‌دهند که من برای آنها بفرستم». کم نیستند زنان برده‌ای که در زمان خدمت در خاورمیانه جان خود را از دست داده‌اند و می‌دهند. روز به روز بر تعداد زنان شاکی، که از سوی «صاحبان» خود مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار می‌گیرند، افزوده می‌شود. سیستم کار اجباری برای زنان برده فقط در عربستان سعودی نیست، بلکه در سراسر حوزه خلیج فارس رواج دارد. تنها در عربستان تاکنون ده هزار زن برده از چنگال و زندان صاحبان خود گریخته‌اند. طبیعی است که هر کدام از آنها - که فاقد مدرک شناسائی هستند - اگر در دام پولیس بیفتند، جایشان گوشه زندان است.

آژانس‌های فریب‌کار به زنان بینوا وعده ۴۰۰ دالر حقوق ماهانه می‌دهند آن هم در ازای هشت ساعت کار روزانه در رستوران. در صورتی که اکثریت مطلق آنها در منازل به «کلفتی» گمارده می‌شوند. آنها از شش و نیم صبح تا یازده شب بدون وقفه مشغول کارند. از همان بدو ورود، گذرنامه‌های آنان را می‌گیرند و از حقوق ماهانه هم خبری نیست. قبل از این که زنان را به بردگی وادارند، به محض ورود آنها را در یک کلینیک خصوصی معاینه می‌کنند و اگر مریض یا حامله باشند، آنها را به کشورشان باز می‌گردانند.

یک دلال برده، خود اعتراف می‌کند که «در لبنان و در خاورمیانه همه فکر پول درآوردن هستند، هیچ کس، حتی دولت‌ها نیز به قانون عمل نمی‌کنند. من که جای خود دارم. بالائی‌ها حق دارند که به پائینی‌ها زور بگویند». آش آنقدر شور است که دولت کنیا به دلیل مورد تجاوز قرارگرفتن زنان کنیائی در خاورمیانه، با تصویب قانونی، کار زنان کنیائی در خاورمیانه را ممنوع کرد. اما مدتی نگذشت که همین دولت به دلایل اقتصادی، کشور عربستان سعودی را از این قانون مستثنی ساخت.

ماری کیبوانا «Mary Kibwana» در ۲۸ ماه مه ۲۰۱۶ از اردن به کنیا باز می‌گردد. او در اثر سوختگی شدید بدنش که در منزل ارباب رخ داده بود، فوراً به بیمارستان منتقل می‌شود. سوختگی این زن شوربخت در ناحیه دست صدرصد و در سایر نقاط بدن ۴۹ درصد بود.

این اولین موردی بود که در سیستم «کافالا» برملا شد (یا به عبارتی «کفالت» شبکه‌ئی ست که خرید و فروش برده در آن انجام می‌گیرد. خدمتکاران زن باید از طریق آژانس‌های دولتی ثبت‌نام کنند، تا وارد سیستم کافالا شوند). علاوه بر این امروز از طریق برنامه‌های موبایل (اپلیکشن) نظیر Instagram و Google Play و غیره... بازار تجارت غیرقانونی خدمتکاران زن داغ است.

بردهفروشان، بردگان زن را به ترتیب زیر ارزش‌گذاری می‌کنند. کنیا در رده یکم، فیلیپین و غنا در رده دوم، سریلانکا سوم و بنگله دیش چهارم. در اکثر موارد حقوق این زنان تیرمروز را اژانس بردهفروشی دریافت می‌کند و به این ترتیب پولی دست زنان برده را نمی‌گیرد. یکی از این زنان با التماس به مسؤول اژانس می‌گوید: «من یک پسر و یک دختر دارم که در فقر به‌سر می‌برند، مایلیم با پولی که اینجا به‌دست می‌آورم زندگی آنها را تأمین کنم».

«ماری کیوانا» همان زن بینوای کنیائی که در آشپزخانهٔ ارباب در اردن در اثر انفجار گاز دچار سوختگی شدید شده بود، می‌گفت: «وقتی این حاتّه برای من اتفاق افتاد، خانم خانه وارد آشپزخانه شد و شروع کرد با لگد به بدن سوخته من ضربه زد!» از او می‌پرسند: «پاسپورنت کجاست؟» جواب می‌دهد: «نمی‌دانم!» از پول می‌پرسند: «پولت کجاست؟» می‌گوید: «به من پولی ندادند». این زن بینوا، که از این سانحه جان سالم به‌در برده است، دیگر قادر به کار نخواهد بود. «راکان ال‌هنداوی»، رئیس یکی از مؤسسات دلال برده در اردن، پیرامون ماجرای «ماری کیوانا» به خبرنگاران کنجکاو می‌گوید: «مسألهٔ ماری صرفاً یک حادثه بود. نه بیش و نه کم. این خواست خدا بود!» [!]. ما، در اردن هر چه از دستمان برمی‌آمد، انجام دادیم [!] کارفرمای Mary سعی کرد آتش را خاموش کند [!] اگر آنها آدم‌های بدی بودند، مخارج بیمارستان را نمی‌پرداختند [!].»

Mary ۴۱ روز در اردن در بیمارستان بستری بود و خانواده او هیچ‌گونه اطلاعی از او نداشت. تنها یک روز قبل از پرواز او از اردن به کنیا، کارفرمای او تلفونی خانواده او را باخبر می‌سازد. آنها می‌خواستند Mary را از سر خود واکنند. به همین دلیل به خانواده او به دروغ گفتند که Mary سالم است و با فلان پرواز، فلان روز به نایروبی می‌رسد. Mary پس از چند روز به علت کم‌خونی و نرسیدن اکسیژن کافی به بدن در بیمارستان «نیرونی» در کنیا درگذشت و شوهر و فرزندان خود را تنها گذارد. زمانی که خبرنگاری با «دکتر محمود»، پزشک بیمارستان تماس می‌گیرد و ابراز می‌دارد که مایل است فلمی دربارهٔ سرگذشت «Mary Kibwana» تهیه کند، دکتر به خبرنگار در پاسخ می‌گوید: «البته به این راحتی نیست. باید خانواده درجه یک او بیابند اینجا تا ما بتوانیم تصمیم بگیریم. ولی چرا فقط Mary که در اثر سوختگی در محل کارش به کنیا آمده است و مسأله مهمی هم نیست؟! بیابید اینجا تا من حداقل ۵۰۰۰ مورد دیگر را به شما نشان دهم. به شما نشان دهم که در یک خانواده ۳ فرزند از ۵ فرزندش مرده‌اند».

زمانی که از «راکان ال‌هنداوی»، رئیس مؤسسه، سؤال می‌شود که آیا به خانواده Mary خسارتی پرداخت کردید؟ در پاسخ می‌گوید: «او در اردن بیمهٔ عمر و بیمهٔ درمان داشت، ولی از آنجا که در کنیا فوت کرده است، بیمه او حاضر به پرداخت نیست. گو این که بخشی از مخارج درمان او را در اردن پرداخته است»!!

از او سؤال می‌شود که «آیا شما وظیفهٔ خود نمی‌دانید که به خانواده Mary، که مادر خانواده‌اش را به علت آسیبی که در خانهٔ مشتری شما دیده از دست داده است، غرامت بپردازید؟» او با وقاحت تمام در پاسخ می‌گوید: «این وظیفهٔ بیمه اوست و نه مؤسسهٔ من»!!

در اردن دو تن از زنان خدمتکاری، که مورد تجاوز کارفرما قرار گرفته بودند، از پیش آنها می‌گریزند و به مؤسسهٔ «caritas» که برای کمک فوری به این نوع زنان تأسیس شده است، پناه می‌برند. یکی از آنها از ترس جان خود به وسیلهٔ گره زدن ۳ ملافه از طبقهٔ سوم خانه، خود را به خیابان می‌اندازد و فرار می‌کند. آنها اشکریزان از صحنه‌های تجاوز یاد می‌کنند و حاضر به بازگرددن آن نمی‌شوند. بسیاری از این زنان نگویند دست به خودکشی می‌زنند. از بالکن ساختمان، خود را به خیابان پرت می‌کنند. «سازمان دیدبان حقوق بشر» در سال ۲۰۰۸ بعد از تحقیقات مفصل به این نتیجه می‌رسد که ۶۷ درصد از مرگ و میر زنان برده در اثر خودکشی و یا پریدن از بالکن صورت گرفته است.